

مقاله

ورشکستگی تمام عیار کلیسا

نویسنده: راینهارد مور (Reinhard Mohr)

فئع: اشپگل

برگردان: چشم انداز ایران

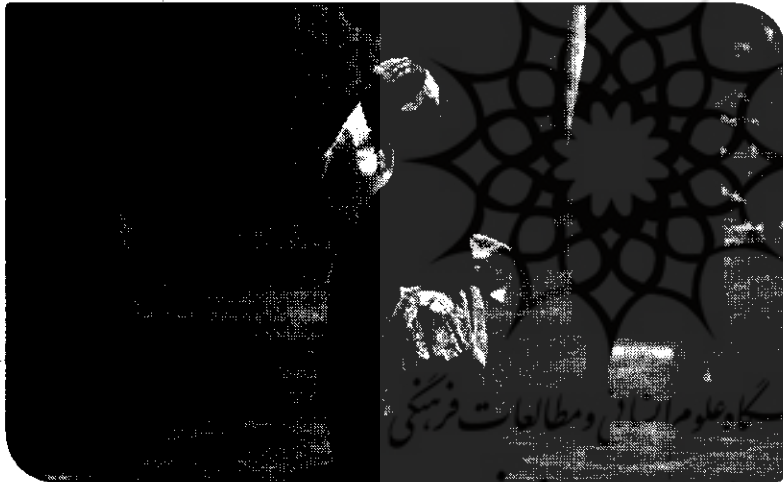
کلیسای آلمان در این مقاله سعی دارد دو نکته در مورد سازمان کلیسا و احزاب استبدادگرای برزیلی و نقد کند.

احزاب استبدادگرای برزیلی

در این مقاله سعی می‌کنیم تا حد امکان به شما در مورد کلیسای آلمان و احزاب استبدادگرای برزیلی و نقد کند.

مور در مقاله‌اش سعی می‌کند تا این دو مورد را با هم مقایسه کند و نشان دهد که در این مقاله بسیار درخور توجه است هر چند تمام اینها تحلیل نویسنده مور

نقد کند.



تمام انرژی خود صرف می‌کردند تا تشکیلات خود را پاک و منزّه و عساری از هر گونه آلودگی قلمداد کرده و به هر گونه تشکیکی نسبت به تشکیلات واکنش شدید نشان داده و انتقاد کننده را ساکت و خاموش می‌کردند. آنها با تمام حقایق و واقعیت‌هایی که تصویر خود ساخته آنها از "انقلابی‌نمایی" را خدشه‌دار می‌کرد و با مواضع و تصورات سیاسی آنها را زیر سؤال می‌برد، به مبارزه برخاسته و آن را با تمام قوا نابود، منزوی و یاسر به نیست می‌کردند.

آنها مصلوب توهمات درونی متحجر و یکسونگرانه و تصورات دشمنان تخیلی خود شده و مجذوب تخیلات سیاه و سفید (دشمن و رفیق) و ثابت شده خود بودند، از این رو قادر به هیچ گونه

باشد تنها می‌خواستند مانع لکه دار شدن اعتبار و آبروی کلیسا شوند.

تشکیلات مقدس و اعتقادی گسترده (کلیسای کاتولیک)، که در رأس آن پاپ قرار گرفته، به جای دفاع از قربانیان (سوء استفاده شده‌های جنسی و یا غیر جنسی)، تمام اقتدار و هم و غم خود را صرف شبهه‌زدایی از تشکیلات و دفاع از آیین و مقررات خود کرده است.

با وجود تفاوت گسترده‌ای که بین تفکرات و تشکیلات عظیم احزاب سوسیالیستی و کمونیستی قرن گذشته - که داعیه آزادی و نجات بشریت را داشتند - با کلیسای کاتولیک وجود داشته، اما رفتار آنها [در دو مورد] با یکدیگر شباهت بسیاری دارد؛ آنها (احزاب کمونیست)

متحجر، تمامیت خواهی، استبداد و وابستگی

اگر کسی بیرون از کلیسا درباره اصول «خطاناپذیری پاپ» پرسش و یا انتقادی می‌کرد با واکنش شدید کلیسا روبه‌رو می‌شد و اگر کسی از اعضای درونی کلیسا، اصل «خطاناپذیری پاپ» را زیر سؤال می‌برد، کلیسا او را وادار به سکوت می‌کرد. با این توصیف، رفتار کلیسا انسان را به یاد جریان‌ها و نهضت‌های همه گیر اما شکست خورده قرن گذشته مانند احزاب کمونیست می‌اندازد.

موج گسترده سوء استفاده‌های فراگیری که به مانند یک سونامی، تشکیلات کلیسای کاتولیک را در نور دیده است و مکانیسمی مستقل و مخصوص به خود را پیدا کرده، شامل موارد و اتفاق‌های گوناگونی می‌شود که بسیار گسترده‌تر از اتهام انجام تنبیه‌های بدنی است که توسط اسقف میکسا (Mixa) صورت می‌گرفت و هر روز هم بیشتر و ملموس‌تر می‌شود و مشخص می‌گردد که تمام ارگان‌ها و تشکیلات کلیسای کاتولیک در همه زمینه‌ها شکست خورده و ناموفق بوده است.

آنها (تشکیلات کلیسای کاتولیک) نه تنها به وظیفه دین مسیح به منظور شفاف‌سازی سریع و شناسایی موارد تخلف - که احتمالاً غیر عمد هم بوده - و تعقیب قانونی و مجازات عاملان تجاوز و خطاهای شناخته شده در تمام دنیا عمل نکرده‌اند، بلکه تکلیف عرفی جامعه را نیز انجام نداده‌اند. شاید کلیسا در این اعمال هاسوء قصدی هم نداشته

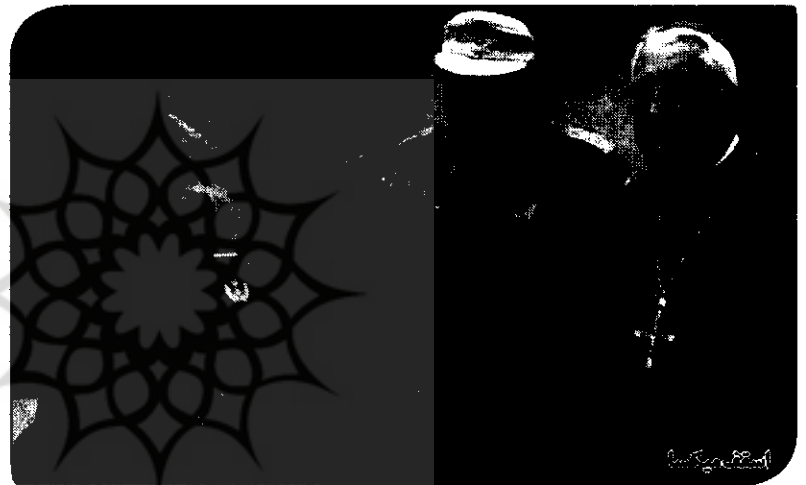
تحول و اصلاحی از درون نبودند. آن زمان ارنست بوش (Ernest Busch) سرودی به این مضمون می خواند: "حزب، حزبی که همیشه حق با اوست و رفا، همیشه همین طور است! چون کسی که برای حقیقت مبارزه می کند، همیشه حق با اوست بر ضد دروغ و استثمار".

رفقای مقدس

اطلاعیه: اداره های که اکنون به نام "اداره مسائل اعتقادی رم" نامیده می شود، جانشین تشکیلات "تفتیش عقاید مقدسی" است که پاپ کنونی بندیکت ۱۶ با نام کاردینال راتسینگر از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ سرپرستی آن را عهده دار بود. عملکرد اداره تفتیش عقاید رمی توان همانند رفتار کمیته

معنی قسم همه مادران با چشمی اشکبار استالین! او در پایان جنگ و سختی ها تو وارد می شوی، چه روشنائی گرمی! از وجود تو چه نیروهای تشعشع می کند و هر زندانی در بندی به آواز می خواند در سلول خود، او عظمتی بزرگ در زندان خود احساس می کند/ در غرش آبشارها و در نجوای برگ درختان/ نام تو طنین انداز است و قدم های تو را می بیند/ در سکوت خود در آنجا، ما ایستاده ایم می شنویم/ و تبعیت می کنیم آهسته و آرام او را".

سال های کشمکش های طولانی، ده ها سال درد و رنج، قربانی شدن میلیون ها انسان را به دنبال داشت تا به آرامی سایه شوم این غول دروغ، ترور



امانند یک قطره اشک در اقیانوس، باز گشت از سیاره سوزان موطن کمونیستی را تشریح می کند، پیشروان این نهضت بودند.

زمانی برای مرددین و یک انقلاب

ابتدا پس از عدول از ادعای در اختیار داشتن حقایق مطلق، تو هم نجات دنیا بود که به طور جدی - و از همه مهمتر این که می توانستند مطمئن وبدون خطر بحث و جدل را انجام دهند. ایمان به تشکیلات و پایان ایدئولوژی، باعث شروع جست و جوی برای حقیقت شد.

این احتمال وجود دارد که باقیاس مشابه، کلیسای کاتولیک در ابتدای راه باشد و آنها هم به مرددینی نیاز دارند که همه چیز را هدف قرار داده و به اصلاحات جزئی اکتفا نکنند. معترضان قدیمی و مشهوری مانند هانس کونگ (Hans Küng)، اویگن دره و رمن (Eugen Drewermann) و اوتا رانکه - هاینه من (Uta Ranke-Heinemann) هنوز هم گوشه گیرند و شاید هم باید بر تعداد افراد آنها افزوده شود و شاید هم لازم باشد زنان زیادی بنا حاکمیت بلامنزاع مردان در رم (کلیسای کاتولیک) به مبارزه برخیزند.

یقیناً پاپ از زمان انقلاب فرانسه و جنگ های ناپلئون - اگر از گارد سوییسی کوچک او صرف نظر کنیم - دیگر ارتشی در اختیار ندارد. مسئولیت صدور ایدئولوژی مسیحیت و یا میسونری جهانی (کلیسای کاتولیک) در دنیای سکولار امروزی با جدایی دین از سیاست، یعنی اعتقادات مذهبی شخصی و حاکمیت لیبرال دموکرات جامعه اروپای امروزی، به شدت محدود و به فعالیت های فرهنگی شده است.

باید در نظر بگیریم که از زمان کنگره دوم کلیسای واتیکان (کنسلی دوم) بین سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ در تعلیمات کلیسا اصلاحاتی انجام شد. از جمله حذف ادعای هزار ساله ای کلیسای کاتولیک که به تنهایی خود را مرجع ذی صلاح و صاحب حق می دانست (کافی است انسان در مورد روش های شکنجه در دادگاه های مقدس تفتیش عقاید ببیند).

خطانا پذیری به خاطر حمایت های الهی

اما اصل "خطانا پذیری" پاپ حذف نشد و به عنوان دستوری اعتقادی (و یا به عبارتی فتوی دینی کنگره "Pastor Aeternus") از زمان کنگره اول واتیکان (کنسلی اول) در ۱۸ جولای ۱۸۷۰ در

و استیلا و نمایش های مسخره پشت سر گذارده و به فراموشی سپرده شدند، اما پرده سقوط کمونیسم شوروی با ارتقای بیش و پرده برداری و تقدس زدایی از آن، که به انتقاد شدید از خود و بازنگری در توهمات انسانی یا اعتقاداتی شبه مذهبی آنها انجامید، به این دلیل امکان پذیر شد، انسان های "یاغی" و از جان گذشته و شجاعی وجود داشته اند، که با شعور و تیزی و با خروج از باورهای گذشته خود با قاطعیت و از همه بالاتر شهامت شخصی وصف ناپذیری رسماً موضع گیری کردند.

نویسندگانی مانند ارتور کوستلر (Arthur Koestler)، که در رمان مشهورش "کسوف خورشید" درباره فلسفه مسخره و خشن دادگاه های نمایشی استالینیستی اواسط دهه سوم (۱۹۴۰ - ۱۹۳۰) قرن گذشته می نویسد، یا مانس اشپربر (Manès Sperber) در کار با ارزش خود

مرکزی و دفتر سیاسی احزاب کمونیست اروپا تصور کرد.

آموزش های دینی کلیسای رمی توان مشابه برنامه های کنگره های حزبی، خدمات عام المنفعه را به منزله سناریوهای پرطمطراق جلسه های سالانه حزبی که در آن رهبران حزبی مانند قدیس هادر آیین های مذهبی ستایش می شدند، دانست.

یوهانس بکر (Johannes R. Becher) شاعر و نویسنده آلمانی، که بعدها وزیر فرهنگ دولت آلمان شرقی DDR شد، در شعر بلندی که به منزله نیایش موجودی خدای گونه و فوق انسانی رفیق استالین می تواند تلقی شود، اشعار حماسی برای حاکمان مستبد کمونیستی و هم وزن با اشعار نیایش دعا های ربانی در الاهیات کلیسای است، چنین می خواند:

"استالین یعنی آرزویی برای صلح/ استالین به معنی هر صلحی است در سرخی شفق/ استالین به



دوران پاپ پیوس نهم در دستور کار باقی ماند.
 "برای حفظ ارزش های الهی، یعنی منزلگاه مقدس ما، برای اعتلای مذهب کاتولیک و یا برای سلامت ملت های مسیحی تعلیم می دهیم و برای تمام زمان ها اعلام می کنیم چیزی را که خداوند متعال به نام اصول اولیه به ما داده و آنچه در ابتدا توسط اعتقادات مسیحیت به ما امانت داده است، حفظ کنیم و تعهد می کنیم هر چه را پاپ رم به عنوان بالاترین قدرت آموزشی (ex cathedra) اعلام می کند، به این معنی است که اگر او در مسند قدرت و به منزله چوپان و معلم همه مسیحی ها و عهده دار بالاترین مقام کلیسای به طور قطع فرمان داد، این نظر چه اصول نظری و یا اصول اعتقادی و یا دستور رفتاری باشد باید در تمام کلیسا محترم شمرده شود و با توجه به الهام الهی که در پطروس مقدس تجلی یافته، یعنی آن "خطانا پذیری"، که با رحمت الهی، درباره موارد اعتقادی و آموزش های رفتاری را به کلیسای خود عطا کرده، این تصمیم های نهایی پاپ های رم حتی با موافقت کلیسای قابل تغییر نیست."

داشته باشد، در حالی که "اداره مقدس" درباره موضوع هایی مانند وفاداری به دکترین "واقیبت مطلق" (doctrina fidei) بلافاصله و بدون ترجم و اکنش نشان می دهد، اجازه داده و کشیش ها سال های متوالی در خفا دست به جنایت های وحشتناکی بزنند.

بدون تردید سیستم کلیسا هنوز دستخوش رفتاری تمامیت خواهانه و تا حدودی واپسگرا و استبدادی (اتوریتیه) است. در این روند انجمن های منتقدی مانند "کلیسا از پایین" و حرکت کاتولیک های غیر روحانی "ما کلیسا هستیم" نتوانسته تغییراتی در آن به وجود آورد. این انجمن ها در دوران بحران اعتماد و مشروعیت کلیسای کاتولیک، تقاضای انجام اقدامات کاملاً عملی را دارند، مانند مأموریت به یک کمیته همه جانبه و بی طرف دولتی و یا مشارکت فعال دادستانی در اصلاح و اداره دوره های آموزشی در تشکیلات کشیش.

یعنی اسقف مارکس (Marx) بلافاصله واکنش نشان داده و در تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۰۳ پروفیسور هازن هتل را از مقام کشیشی عزل کرد. اگر چه در حال حاضر اسقف مارکس از اسقف های اصلاح طلب ضد سرمایه داری شناخته می شود، باید در نظر داشت که کلیسای گتسه مان همان مکانی است که در سال ۱۹۸۹ شعله های مقاومت ضد حکومت دیکتاتوری حزب حاکم آلمان شرقی سابق (SED) از آنجا شکل گرفت.

اداره مسائل اعتقادی رم (جانشین دادگاه تفتیش عقاید سابق) نه تنها به هیچ نیک از اعتراض های پروفیسور هازن هتل ترتیب اثر نداد، بلکه طبق فرماتی از تاریخ ۲ ژانویه ۲۰۰۶ اجازه تدریس علوم دینی را نیز از او گرفت.

بحران مشروعیت کلیسای کاتولیک

شاید این سوء استفاده های آشکار شده، یکی از موارد بی شمار سوء استفاده باشد و حدس زده می شود که موارد تلخ شیطانی و بدتری نیز وجود

این موضوع را پروفیسور الاهیات گوت هولد هازن هتل (Gothhold Hasenbüttel) که در زمره تعداد انگشت شمار منتقدان مشهور کلیساست، در محدودیت های اعمال شده به خوبی لمس و احساس کرد، زمانی که او در حاشیه روز تاریخی همبستگی کلیساها، سال ۲۰۰۳ در برلین یک مراسم عشاء ربانی در کلیسا پروتستان ها گتسه مان (Gethsemane) با دعوتی مشخصاً از غیر کاتولیک ها، به شیوه کاتولیک ها را برگزار کرد و در آن بیش از دوهزار نفر شرکت کردند، مشهود شد، اسقف اعظم سابق شهر تریر (Trierer)

در روز پنجشنبه سبز، پیش از عید پاک، عضو ارشد انجمن "ما کلیسا هستیم" خانم لاگمن (Laakmann) در گفت و گوی زنده با رادیو برلین ۱ از این که کنفرانس اسقف های آلمان از همکار خود اسقف میکسا به سرعت و همه جانبه حمایت کرده، اظهار تعجب می کند و می گوید به جای این حمایت که بیشتر شباهت به سرپوش گذاری است، بهتر بود تا مشخص شدن تمام موارد اتهامی، از او سلب مسئولیت می شد. با این حال "موج اتهامات" باعث شروع موج تعقل در کلیسا شده است. این که عاقبت این کار به کجا می انجامد و آیا واقعا روزی خواهد رسید که کلیسای کاتولیک وارد قرن بیست و یکم بشود، خود پرش بسیار هیجان انگیزی است.

